

تحلیل تحریم‌های بین‌المللی ایران در چارچوب اقتصاد سیاسی در دوره ۱۳۵۷-۱۳۹۷

دکتر بهروز هادی زنوز

عضو هیئت علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی



به نام خدا

- سرشناسه : هادی زنوز، بهروز، ۱۳۲۴ -
عنوان و نام پدیدآور: تحلیل تحریم‌های بین‌المللی ایران در چارچوب اقتصاد سیاسی در دوره ۱۳۵۷-۱۳۹۷/بهروز هادی زنوز.
مشخصات نشر: تهران: اقتصاد فردا، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری: ۳۹۶ ص: مصور، جدول، نمودار.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۷۰۷۳-۶-۲: ۵۰۰۰۰ ریال
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
موضوع: تحریم اقتصادی -- ایران -- قرن ۱۴
موضوع: Economic sanctions -- Iran -- 20th Century
موضوع: تحریم اقتصادی آمریکا -- ایران
موضوع: Economic sanctions, American -- Iran
موضوع: منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای -- ایران
موضوع: Nuclear non-proliferation -- Iran
موضوع: انرژی اتمی -- ایران -- جنبه‌های اقتصادی
موضوع: Nuclear energy -- Iran -- Economic aspects
موضوع: ایران -- اوضاع اقتصادی -- ۱۳۵۷ - ۱۳۹۷
موضوع: Iran -- Economic conditions -- 1978 - 2018
رده بندی کنگره: HF۱۳۸۶/۴
رده بندی دیویی: ۳۰۷.۱۳۶۷۰۹۵۵
شماره کتابشناسی ملی: ۵۷۴۷۱.۳

تحلیل تحریم‌های بین‌المللی ایران در چارچوب اقتصاد سیاسی در دوره ۱۳۵۷-۱۳۹۷

دکتر بهروز هادی زنوز

چاپ اول: خرداد ماه ۱۳۹۸

شمارگان: ۵۰۰ جلد

صفحه آرای و امور هنری: موسسه هنری مهساز

قیمت: ۵۰۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۷۰۷۳-۶-۲

تهران- صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۴۹۹۸

تلفن: ۸۸۵۴۱۴۱۷ فاکس: ۸۸۷۴۱۰۲۳

www.eghtesad-farda.ir

eghtesad.farda@gmail.com

mail@eghtesad-farda.ir

نشر
اقتصاد
فردا



فهرست مطالب

۸	مقدمه ناشر
۹	پیشگفتار مولف
۱۱	مقدمه
۲۰	فصل اول - چارچوب مفهومی بحث
۲۰	۱-۱- اهمیت رشد اقتصادی و رابطه آن با منافع ملی
۲۶	۱-۲- رابطه تجار و سرمایه‌گذاری خارجی با رشد اقتصادی
۴۷	۱-۳- چارچوب مفهومی بحث: مداخلات اقتصادی تحریم‌ها
۵۰	۱-۴- چارچوب مفهومی بحث: انتقال پولش‌های داخلی و تحریم‌ها
۵۲	فصل دوم - مناسبات ایران با برخی اقتصادهای جهانی و منطقه‌ای
۵۳	۲-۱- راهبردهای سیاست خارجی ایران در نمونه اساسی
۵۹	۲-۲- ساختار قدرت سیاسی و رابطه آن با سیاست خارجی ایران
۶۵	۲-۳- ماهیت نظام اقتصادی و رابطه آن با سیاست خارجی ایران
۷۲	۲-۴- تنش مزمن در مناسبات سیاسی ایران و آمریکا
۸۸	۲-۵- تحول مناسبات سیاسی ایران و اتحادیه اروپا
۹۴	۲-۶- مناسبات ایران و برخی از کشورهای عربی خاورمیانه
۱۱۸	۲-۷- ارزیابی سیاست خارجی ایران در دوره بعد از انقلاب
۱۲۶	فصل سوم - برخی از پیامدهای اقتصادی سیاست خارجی ایران
۱۲۶	۳-۱- بازماندن ایران از رشد اقتصادی و پیامدهای آن
۱۵۳	۳-۲- عدم امکان اتخاذ رویکرد صادراتی در دولت نفتی
۱۵۵	۳-۳- محرومیت از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران
۱۵۷	۳-۴- خسارات ناشی از جنگ ایران و عراق
۱۵۹	۳-۵- پیامدهای اقتصادی تحریم‌های هسته‌ای قبل از برجام
۱۶۰	۳-۶- پیامدهای اجتماعی تحریم

فصل چهارم - تحریم‌های هسته‌ای ایران ۱۶۰

- ۱-۴ علنی شدن برنامه هسته‌ای و مذاکره با اروپا (۱۳۸۴-۱۳۸۱) ۱۶۰
- ۲-۴ ارجاع پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت ۱۶۴
- ۳-۴ روی کار آمدن دولت روحانی و امضای برجام ۱۶۹
- ۴-۴ روی کار آمدن دولت ترامپ و بازگشت تحریم‌ها ۱۷۲
- ۵-۴ ارزیابی تنش‌های امنیتی و سایر امضا کنندگان برجام و اثر بخشی آن ۱۸۴
- ۶-۴ رفتار شرکت‌های بزرگ در قبال تحریم‌های امریکا ۱۸۶
- ۷-۴ واکنش ایران به حمله‌های سایبری ۱۹۳

فصل پنجم - آثار اقتصادی و اجتماعی از تحریم‌های ایالات متحده ۱۹۸

- ۱-۵ تجربه فشار شدید جامعه جهانی و بازگشت ایران به میز مذاکرات ۱۹۹
- ۲-۵ مقایسه تحریم‌های قبل و بعد از برجام ۲۰۸
- ۳-۵ تاثیر تحریم‌ها بر بخش‌های مهم اقتصاد ایران ۲۱۶
- ۴-۵ تاثیر تحریم‌ها بر اقتصاد کلان ۲۷۸

فصل ششم - راه‌های پیش رو برای مقابله با تحریم‌های جدید ۳۳۶

- ۱-۶ نتایج تحقیق ۳۳۶
- ۲-۶ راهکارها در حوزه استراتژی نظامی و سیاست خارجی ۳۴۳
- ۳-۶ تاثیر تحریم‌ها بر سیاست داخلی و راهبردهای قابل اتخاذ در این حوزه ۳۵۶
- ۴-۶ اثرات اقتصادی تحریم‌ها و راهبردهای اقتصادی قابل توصیه ۳۶۵

پیشگفتار مولف

درست تحقیق در زمینه تحریم‌های هسته‌ای ایران، از اوائل دهه ۱۳۹۰ دغدغه نویسنده این کتاب بوده است. در دوره دولت یازدهم در زمانی که کشور با تحریم‌های شورای امنیت و اجماع جهانی علیه ایران مواجه بود، پیامدهای آن به صورت رکود تورمی در گزارشی برای اتاق بازرگانی ایران تشریح شد. در این مورد گزارشی نیز به جناب آقای دکتر طیب نیا وزیر محترم امور اقتصادی و دارایی ارائه شد.

سپس در سال ۱۳۹۴، به سارن مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی گزارش مفصلی تحت عنوان «موانع ساختاری و نهادی رشد پایدار اقتصادی در ایران» تهیه شد و به صورت محرمانه در اختیار سران محترم قوا و اعضای شورای عالی امنیت ملی قرار گرفت. در آن گزارش، ضمن بررسی مفصل موانع ساختاری و نهادی اقتصاد ایران به موضوع پر اهمیت نقش تعاملات بین‌المللی در رشد و توسعه اقتصادی و توانایی ایران با کشورهای صنعتی پرداخته شد. نویسنده همچنین در زمان تنظیم برنامه ششم توسعه، در سمت مشاور معاون برنامه‌ریزی سازمان برنامه و بودجه کشور، گزارشات متعددی تهیه کرد. در این گزارشات به مسئولان برنامه‌ریزی کشور هشدار داده شد که در تعیین اهداف برنامه ششم باید چالش‌های عمده اقتصاد ایران و تهدیدات بین‌المللی غافل باشند. به خصوص بر این نکته تأکید شد که تصور دست‌یابی به رشد اقتصادی ۸ درصد در دوران برنامه، رویای غیر قابل تحقق است چرا که این پس‌چرخ‌های اقتصاد ایران؛ بدون انجام اصلاحات ساختاری و نهادی؛ به روال سابق به گردش در نخواهد آمد. در کنار مباحث فوق، چالش‌های مهم اقتصاد ایران در زمینه بحران بانکی (۱۳۹۵)، بحران صندوق‌های بازنشستگی (۱۳۹۷) و بحران بیکاری (۱۳۹۷) موضوع مطالعه قرار گرفت و نتایج هر یک از گزارشات به صورت کتاب مستقل به چاپ رسید. از نتایج این مطالعات در تحقیق حاضر استفاده شده است.

در اوائل سال ۱۳۹۷ بود که دوست محترم جناب آقای دکتر غفاری رییس موسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی خواستار تهیه گزارش مختصری در مورد ابعاد و پیامدهای دور جدید تحریم‌های امریکا بر اقتصاد ایران شدند. به دنبال آن گزارش مختصری در حدود ۲۰ صفحه تهیه و ارائه شد که ظاهراً نسخه‌ای از آن به صورت محرمانه به وزیر محترم تعاون، کار و رفاه اجتماعی، جناب

آقای دکتر ربیعی ارائه شد.

در زمان بازگشت به ایران مطلع شدم که مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی و وزارت علوم، تحقیقاتی را در زمینه تحریم های جدید امریکا آغاز کرده اند. من هم بنا به خواسته دوست و همکار ارجمندم جناب آقای دکتر محمد قاسمی معاون اقتصادی آن مرکز دست به قلم شدم و گزارش قبلی خود را در این زمینه بسط دادم.

بالاخره سازمان پدافند غیر عامل خواستار انجام مطالعه کاربردی تر و تفصیلی تری در این زمینه بود. من با وساطت جناب آقای افشین برمکی از مدیران جوان و لایق سازمان برنامه و بودجه کشور همکاری در این زمینه را بپذیرفتم. این بار گزارش مورد نظر به صورت کامل تری در حدود ۱۷۰ صفحه تهیه و ارائه شد.

در هنگام تهیه گزارش فوق به این نتیجه رسیدم که تحریم اقتصاد ایران از بدو انقلاب شروع شده و محدود به تحریم های تسلیحاتی نبوده است. از اینرو لازم دیدم موضوع تحریم ها و پیامدهای اقتصادی و اجتماعی آن را بعد از انقلاب اسلامی در چارچوب گسترده تری مورد بررسی قرار دهم. چون ریشه اصلی تحریم های اقتصادی، مناقشات مزمن سیاسی ایران با جهان خارج بود، رویکرد اقتصاد سیاسی برای انجام تحقیق مناسب تشخیص داده شد. از اینرو در تحقیق حاضر این مساله با ابعاد نظری، ساختار قدرت سیاسی، چارچوب نظام اقتصادی و راهبردهای سیاست خارجی ایران مورد مطالعه قرار گرفته. حاصل این تلاش ها کتابی است که در پیش رو دارید.

چون گزارش حاضر ابتدا به عنوان یک سند سیاست گذاری در دست تحریر درآمده بود، باید حد اکثر تا پایان دیماه سال ۱۳۹۷ آماده می شد تا به موقع مورد بهره برداری دولتمردان و مقامات عالی نظام قرار می گرفت. سه ماه بعد از تهیه این گزارش، دوست و همکار ارجمندم جناب دکتر لطفعلی بخشی ایده چاپ آن را با من در میان گذاشتند که من بدون تردید آن را بپذیرفتم. توضیح این نکته ضروری است که هر چند برای آماده کردن کتاب برای چاپ، در برخی موارد آمارها اصلاح و توضیحات جدیدی بر گزارش تحقیق افزوده شده؛ اما ساختار گزارش و بخش عمده تحلیل های آن حفظ شده است. شاید بتوان بخشی از لغزش ها و کاستی های این کتاب را به تعجیل در تهیه متن اولیه آن نسبت داد؛ اما باید اعتراف کنیم که بخش عمده نواقص کار مربوط به بیصاحت اندک نویسنده است.

در اینجا وظیفه خود می دانم از محبت دکتر علی بخشی در قبول رحمت چاپ این کتاب و از زحمات آقای عادل طیبی در صفحه آرایی آن صمیمانه سپاسگزاری کنم.

مقدمه

تحریم اقتصادی نوعی جند نبرد است که در چند دهه اخیر به کرات توسط کشورهای قدرتمند صنعتی و شورای امنیت سازمان ملل به وسیله کشور های دیگر وضع شده است. در دنیای معاصر بواسطه جهانی شدن و افزایش وابستگی استقلال اقتصادها، آسیب پذیری کشورها در برابر تحریم های تجاری و مالی افزایش یافته است. کشورها و سازمان های بین المللی به منظور دستیابی به اهداف مورد نظر خود سعی می کنند با توسل به تحریم های تجاری و مالی بر کشور هدف فشار وارد کنند. نتیجه بخش بودن تحریم ها انحصار به دقت قابل پیش بینی نیست و به عوامل متعددی بستگی دارد که مهمترین آنها عبارتند از: یکم- قدرت سیاسی و اقتصادی کشور های تحریم کننده در نظام جهانی، دوم- نحوه طراحی و اجرای تحریم ها، سوم- تاب آوری سیاسی و اقتصادی کشور تحریم شده و چهارم- مدت اعمال تحریم ها.

متأسفانه هژمونی نظامی، اقتصادی و مالی امریکا در دنیای معاصر به آن کشور فرصت داده است که بیش از پیش به این حربه متوسل شود. می دانیم که ایران تنها کشوری نیست که تاکنون در فهرست تحریم های امریکا و دیگر قدرت های صنعتی غرب قرار داشته و دارد. در این مورد می توان به عنوان نمونه به تحریم دراز مدت کشور کوبا بعد از انقلاب کمونیستی، تحریم نفتی عراق در دوره صدام حسین، تحریم لیبی در دوره قذافی، تحریم های امریکا علیه کره شمالی، تحریم ونزوئلا در دوره هوگو چاوز و جانشین او و تحریم های امریکا و اتحادیه اروپا علیه روسیه بعد از اشغال قسمتی از خاک اوکراین اشاره کرد.

در ایران هنگامی که سخن از تحریم به میان می آید، ذهن همگان متوجه تحریم های بین المللی

علیه برنامه اتمی کشور می‌شود. اما واقعیت این است که جمهوری اسلامی از سال ۱۳۵۸، همواره با شدت و ضعف مختلف در معرض انواع تحریم‌های اقتصادی، نظامی و فشارهای دیپلماتیک کشورهای غربی و شورای امنیت سازمان ملل بوده است. تحریم‌های امریکا علیه ایران بعد از تسخیر سفارتخانه آن کشور در تهران (در آبان ۱۳۵۸) شروع شد و تا به امروز بدون وقفه ادامه داشته است. تحریم‌های امریکا و دیگر کشورهای غربی به بهانه‌های مختلف از جمله مبارزه با تروریسم، نقض حقوق بشر، فعالیت‌های غیر مجاز هسته‌ای، ساخت و پرتاب موشک‌های بالستیک و مداخله نظامی ایران در کشورهای دیگر اعمال شده است.

هر چند در این دهه‌هاش تأکید ما عمدتاً معطوف به تحریم‌های جدید امریکا علیه جمهوری اسلامی ایران بعد از خروج آن کشور از توافقنامه برجام است، اما ریشه‌هایی دیرینه این دو کشور و همچنین از پایی کامل‌تر اثرات اقتصادی و اجتماعی تحریم‌های غرب علیه ایران، مستلزم واکاوی مساله تحلیل دوران چهل ساله بعد از انقلاب اسلامی است. استدلال ما این است که تحریم‌های اقتصادی و مالی امریکا و هم‌پیمانان منطقه‌ای آن علیه جمهوری اسلامی، ابزاری است برای مقابله با نفوذ روزافزون جمهوری اسلامی ایران در کشورهای خاورمیانه که از آن تحت عنوان صدور انقلاب اسلامی یاد می‌شود. اما، رژیم صهیونیستی و رژیم آل سعود نفوذ ایران در منطقه عربی خاورمیانه را معایر منافع دراز مدت خود می‌دانند. از اینرو تا زمانی که تعارض امنیتی و استراتژیک میان ایران و کشورهای ذینفع از مبارزات سیاسی و دیپلماتیک حل و فصل نشود، این وضعیت در آینده نیز به اشکال مختلف ادامه خواهد داشت. اگر استدلال فوق پذیرفته شود، می‌توان ادعا کرد که بدون تحلیل تحول سیاست خارجی ایران در دوره بعد از انقلاب نمی‌توان تصویر روشنی از منازعات پایان‌ناپذیر ایران و قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای بدست داد. از اینرو در پژوهش حاضر ضمن تأکید بر تحولاتی که منجر به امضای توافقنامه برجام و سپس خروج امریکا از برجام شده است، تحلیل نسبتاً مفصلی از اقتصاد سیاسی ایران و مناسبات خارجی جمهوری اسلامی در دوره بعد از انقلاب ارائه شده است.

تجربه ایران در دوره بعد از انقلاب گویای آن است که دغدغه اصلی دولتمردان و روحانیونی که در انقلاب اسلامی نقش بارز داشته‌اند، عبارت بوده است از یافتن شیوه‌ای بدیع برای تلفیق سنت و مدرنیته. گفتنی است که این مساله سابقه دیرینه دارد و از زمان انقلاب مشروطیت تا به امروز مشغله ذهنی روشنفکران، سیاستمداران و جامعه‌شناسان ایرانی بوده است. در دوره بعد از انقلاب، این مساله در سه حوزه حکمرانی سیاسی (تلفیق جمهوریت و اسلامیت نظام سیاسی)، برپایی نظام اقتصادی مبتنی بر عدالت اجتماعی و حفاظت از ارزش‌های اسلامی در مواجهه با فرهنگ و

تمدن غربی بروز و ظهور پیدا کرده است. اما یکبار دیگر با روشن تر شدن نعارضات ذاتی سنت و مدرنیته، مشکلات عملی کردن این خواسته‌ها به مرور ایام آشکارتر شده است.

در بررسی ماهیت نظام‌های مبتنی بر ایدئولوژی، عموماً تفاوت دیدگاه‌ها در مفاهیم اولیه و اصول فکری، پرده ساتری در مقابل فهم واقعیت اجتماعی قرار می‌دهد. لازمه پرهیز از فرو افتادن به این ورطه آن است که چارچوب جهان بینی و مبانی فکری طرفداران سنت و مدرنیته بوضوح تشریح شود. هر چند این کار ضامن مصون ماندن از کج فهمی و اختلاف عقیده در مسائل عمده سیاسی، اقتصادی و اجتماعی نخواهد بود، اما حداقل فایده‌ای که بر آن متصور است، آشنایی مخاطبان مباحث با ایده اقتصادی و سیاسی با مبانی فکری نویسنده است. با توجه به این مخاطرات، در این نوشته در تشریح تفاوت ماهوی اصول و مبانی فکری طرفداران سنت و مدرنیته کوتاهی نشده است و در حد بضات اندک نویسنده به آن پرداخته ایم.

تا جایی که به تحریم‌های دهه‌های مربوط است، باید گفت زمانی که دولت یازدهم بر سرکار آمد، تحریم‌های بین المللی مهم‌ترین مسائل ایران به شمار می‌آمد. در واقع بر اثر تشدید این تحریم‌ها از زمستان سال ۱۳۹۰، اقتصاد ایران وارد یک دوره نسبتاً طولانی رکود تورمی شد. دولت روحانی با پشتیبانی مقام رهبری، توانست مواضع مهمی بر نام ایران در سال ۱۳۹۴ از تصویب شورای امنیت سازمان ملل بگذراند و بعد از یک دوره راستی آزمایی، این موافقتنامه در ۲۶ دیماه سال ۱۳۹۴ در وضعیت اجرایی قرار گرفت. بی گمان می‌توان این موفقیت را مهمترین دستاورد جمهوری اسلامی در عرصه دیپلماتیک دانست.

از زمان اجرایی شدن این موافقتنامه تا به امروز، متأسفانه برخلاف انتظار دولت، مردم و صاحبان کسب و کار، در استفاده از ثمرات آن با مشکلات عدیده‌ای مواجه بودند. مثلاً به دلیل عدم انجام اقدامات موثر برای مبارزه با پولشویی و مقابله با تأمین مالی تروریسم و عدم اجرای ضوابط بین المللی در امور بانکی ایران، برقراری مجدد رابطه ایران با سیستم سوئفت و ساماندهی ارتباط مجدد بانک‌های داخلی با بانک‌های خارجی به درازا انجامید. اما مهمترین موانع اصلی تحقق نتایج مورد انتظار، تحولات سیاسی داخلی ایران و نگرانی‌های دولت آمریکا از نفوذ منطقه‌ای ایران بود. بدین معنی که در داخل جناحی از حکومت برجام را مغایر منافع ملی تلقی می‌کرد. از این رو دست به اقدامات تحریک‌آمیزی می‌زد تا مانع از بهبود روابط سیاسی و اقتصادی دولت روحانی با دولت‌های غربی به‌ویژه آمریکا شود؛ و در سطح جهانی از یکسو در ایالات متحده، ترامپ با نگرش راست افراطی به ریاست جمهوری رسید و با پشتیبانی کامل کنگره، به مخالفت با برجام برخاست. از سوی دیگر بدنبال شکست داعش در عراق و سوریه، دنیا شاهد افزایش روز افزون

نمود منطقه‌ای ایران در خاورمیانه عربی بود. در این میان دولت صهیونیستی اسرائیل و عربستان سعودی از موقعیت جدید ایران ناخشنود بودند و امنیت خود را در خطر می‌دیدند.

به دلایل فوق، مهار قدرت منطقه‌ای ایران برای ائتلاف نامقدس قدرت‌های منطقه‌ای و ایالات متحده اهمیت حیاتی پیدا کرد و دولت ترامپ ضمن تهدید به خروج از برجام، وضع تحریم‌های غیر هسته‌ای علیه ایران را در دستور کار خود قرار داد و به مورد اجرا گذاشت. بالاخره با خروج آمریکا از برجام در ۱۸ اردیبهشت ماه سال ۱۳۹۷، تنش میان ایران و آمریکا ابعاد جدیدی پیدا کرد. با اجابتی شدن مرحله دوم تحریم‌های اقتصادی و مالی ایران از ۱۴ آبان سال ۱۳۹۷ کشور با بی‌بن‌ترین تحریم‌های تاریخ جمهوری اسلامی مواجه شد. صرف‌نظر از موفقیت یا شکست آمریکا در دستیابی به اهداف سیاسی خود، انتظار می‌رود، اگر گشایش سیاسی در روابط دو کشور صورت نگیرد، این تحریم‌ها حداقل برای سه سال ادامه یابد.

متأسفانه امروزه جمهوری اسلامی ناگزیر است در عرصه بین‌المللی با اقدامات غیر قانونی اخیر آمریکا علیه ایران و ائتلاف آن با دولت‌های عربی و اسرائیل در منطقه مقابله کند و همزمان با آن در عرصه داخلی با چالش‌های بزرگ اقتصادی، اجتماعی و سیاسی پنجه در افکند. بدیهی است که سر غیاب انسجام درونی حاکمیت و دولت، مدیریت همزمان تحریم‌های آمریکا و چالش‌های داخلی برای مسئولان کشور امری است خط‌ر و دسوار. به دلیل اهمیت این موضوع در تحقیق حاضر تلاش شده است پیامدهای وخیم در هم آبی چالش‌های متعدد اقتصادی و اجتماعی کشور و همزمانی آن با خروج آمریکا از برجام، ارزیابی شود و راهبردهای مقابله با تحریم‌های جدید آمریکا و چالش‌های اقتصادی و اجتماعی کشور ارائه شود.

قبل از پرداختن به ساختار گزارش تحقیق ذکر چند نکته در مورد روش تحقیق و محتوای گزارش ضروری است:

یکم- این پژوهش اساساً از منظر اقتصاد سیاسی به موضوع بحث می‌پردازد و در مواردی که ضرورتاً برخی از ابعاد حقوقی، نظامی و امنیتی تحریم‌ها و مناسبات بین‌المللی مورد اشاره قرار می‌گیرد، فراتر از صلاحیت نویسنده است و احتمال خطا در این موارد بیشتر از مباحث اقتصادی است. ناگفته پیداست که موضوعات فوق باید توسط صاحب‌نظران رشته‌های مختلف مورد بررسی عمیق‌تر قرار گیرد تا بتوان راهبردها و سیاست‌های جامعی را برای مقابله با تحریم‌ها تنظیم کرد.

دوم- اقتصاد سیاسی از یک نظر، نتایج سیاسی و اقتصادی هر سیاستی را با بررسی عوامل اقتصادی از یک سو و مشوق‌ها و محدودیت‌های سیاسی از سوی دیگر توضیح می‌دهد. در اقتصاد سیاسی، این پرسش مطرح می‌شود که چگونه محدودیت‌های سیاسی می‌توانند بر انتخاب

سیاست‌ها در بخش عمومی و خروجی‌های (پیامدهای اقتصادی - اجتماعی) آنها تاثیر بگذارند. از منظر دیگر اقتصاد سیاسی عبارتست از کاربرد اصول عدم اقتصاد در تحلیل سیاست. بر اساس رویکرد اخیر، نظریه انتخاب عمومی، تحلیل اقتصادی سیاستگذاری و تحلیل اقتصادی نهادها در مرکز توجه قرار می‌گیرد.^۱

در تحقیق حاضر از رویکرد دوم استفاده شده است.

سوم - اکنون بعد از قریب چهل سال تجربه می‌توان گفت که خائس‌های بزرگی که امروزه در حوزه داخلی و بین‌المللی در پیش روی جمهوری اسلامی قرار دارد، بر خلاف تصور عده‌ای، صرفاً محصول توطئه دشمنان داخلی و خارجی نظام نیست. چرا که با پذیرش این نظر از یکسو به طور ضمنی منفع‌ن بودن دولت (به معنای مجموعه قوای حاکمیت) در برابر این توطئه‌ها پذیرفته می‌شود و از سوی دیگر شواهد تاریخی متعدد در سیاست خارجی ایران دلبده گرفته می‌شود. شاید درست‌تر آن باشد که استناد به وجود بخشی از مشکلات نظام ناشی از عدم درک صحیح جهت‌ی شدن و پیامدهای آن از سوی مسئولان است که حاصل آن بیش از ۴۰ ساله در مناسبات بین‌المللی است و بخش دیگر از مشکلات داخلی نظام، مربوط به عدم کفایت نهادهای سیاسی اقتصادی است که به موجب قانون اساسی برقرار شده و با بردها و سیاست‌های نادرستی است که در این مدت طولانی بدون توجه به نتایج زیانبارشان، اتخاذ شده و استمرار یافته است.

چهارم - امروزه کشور و نظام در چنان مقطع حساس تاریخی قرار دارد که دولتمردان و حکمرانان جمهوری اسلامی، بدون ایجاد تحول اساسی در بنیان‌های فکری، فرهنگی و نهادی رویکردهای ایدئولوژیک خود در تحلیل جهان مدرن و تمایلات سیاسی و جناحی نداشتن، نخواهند توانست از عهده حل مشکلات برآیند. از اینرو در این وضعیت حساس به نظر میرسد تحلیل‌هایی که از سوی صاحب نظران اقتصادی، سیاسی و اجتماعی با دیدگاه‌هایی متفاوت، در دیدگاه‌های رسمی مطرح می‌شود، برای تصمیم‌گیران تراز اول کشور بیش از هر زمان دیگری ضرورت دارد. گرچه در این زمینه نیز برخی تلاش می‌کنند هزینه سخن گفتن از مسائل مبرم کشور با رویکردی متفاوت از روایت رسمی را بالا ببرند، اما مصالح کشور ایجاب می‌کند مسائل مبرم داخلی و خارجی آن از زوایای مختلف مورد ارزیابی قرار گیرد.

با توجه به رویکرد تحقیق، اکنون می‌توان به ساختار کتاب حاضر اشاره کرد. این گزارش در شش قسمت به شرح زیر تنظیم شده است.

۱. در این زمینه نگاه کنید به فصل ششم کتاب زیر:

کاپوراسو و لوین (۱۳۹۲)، نظریه‌های اقتصاد سیاسی، ترجمه محمود عبدالله زاده، نشر ثالث.

در قسمت اول، چارچوب مفهومی بحث به تفصیل توضیح داده شده است. منظور از طرح این موضوع هم روشن کردن روش تحقیق است و هم مهمتر از آن روشن کردن مواضع نویسنده در قبال اهمیت رشد دراز مدت اقتصادی در سرنوشت ملت‌ها و دولت‌ها و تاثیر تعیین کننده مناسبات سیاسی و اقتصادی بین‌المللی بر پیشرفت اقتصادی و بهروزی و یا ذلت ملت‌ها است. جوهر بحث اخیر این است که در دنیای مدرن، منافع و امنیت ملی هر کشور در ذیل امنیت و پیشرفت اقتصادی آن تعریف می‌شود. این نکته، مفقوده اصلی سیاستگذاری در مناسبات بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران است. در این قسمت موضوعات زیر مطرح شده است:

(۱) ابتدا به اختصار به اهمیت رشد نوین اقتصادی در شکل‌گیری و تحول اقتصادی جوامع مدرن بواهبیر پرداخت. این موضوع از آن جهت اهمیت دارد که در جهان معاصر بر خلاف قرون وسطی، منافع اصلی دولت‌ها برای پیشبرد منافع ملی عبارت است از فراهم کردن بسترهای نهادی رشد و توسعه و بهره‌گیری از سیاست‌های اقتصادی برای بهبود رفاه آحاد جامعه. دولت‌هایی که در این جهت گام‌های موثری بر نمی‌دارند، در دراز مدت مشروعیت خود را از دست می‌دهند.

(۲) دومین پرسشی که باید به آن پرداخت این است که با توجه به نقش مرکزی تجارت و سرمایه‌گذاری خارجی در رشد دراز مدت اقتصادی، تحلیل علمی از جهانی شدن اقتصادها و جایگاه دولت‌های ملی در این نظم نوین جهانی چیست و سیاست خارجی که در خدمت حداکثر سازی منافع ملی است، باید واجد چه ویژگی‌هایی باشد. اهمیت این مساله بدان جهت است که از این طریق ملاک و محک معتبری برای تحلیل شکاف میان سیاست خارجی اتخاذ شده و سیاست خارجی مطلوب بدست می‌آید و در سایه آن می‌توان توصیه‌هایی را در جهت رفع انحرافات از وضع مطلوب بدست داد. بدیهی است که این توصیه‌ها ممکن است به دلایل مختلف ضرورتاً از سوی سیاستگذار پذیرفته نشود.

(۳) سومین مساله این است که روش مشخصی برای سنجش علمی اثرات اقتصادی و اجتماعی تحریم‌های امریکا علیه اقتصاد ایران بدست داده شود. برخلاف ادعاهای غیر علمی که تحریم‌ها هیچ اثری ندارند، باید اذعان کنیم که تحریم‌ها بر سرنوشت کشور تاثیرات مهمی دارند و گرنه هرگز از سوی دشمنان نظام وضع نمی‌شدند. در این زمینه رویکرد علمی ایجاب می‌کند که بپذیریم تحریم‌ها از مجاری مختلف بر بخش‌های اقتصادی کشور و اقتصاد کلان آن تاثیر می‌گذارند. بنابراین ابتدا لازم است مجاری تاثیرگذاری تحریم‌های نفتی، تجاری و مالی شناخته شود و ساز و کار آن مشخص گردد.

۴) چهارمین مسأله، روشن کردن تأثیر متقابل تحریم‌ها و چالش‌های عمده اقتصادی و اجتماعی ایران است. اندر کنش این دو عامل است که در نهایت میزان تاب‌آوری کشور در مقابل تحریم‌ها را مشخص خواهد کرد.

می‌دانیم که بعد از انقلاب اسلامی در ایران، مناسبات سیاسی ایران و غرب، به ویژه ایالات متحده همواره پر تنش بوده است و سابقه تحریم‌های امریکا و اروپا علیه ایران به اندازه تاریخ حیات جمهوری اسلامی است. در قسمت دوم مطالعه ریشه‌یابی علل روابط خصمانه امریکا و اروپا و متحدان منطقه‌ای آنها با انقلاب اسلامی ایران و بررسی تحول کم و کیف انواع تحریم‌ها علیه ایران را در دست‌ر کا، قرار داده ایم و از این طریق به چند پرسش زیر پاسخ گفته ایم:

۱) سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از جهت اهداف راهبردی آن و ابزارهای بکار گرفته شده برای تحقق آنها تا چه میزان بر عرف دیپلماتیک در مناسبات بین‌المللی استوار بوده است؟

۲) بعد از انقلاب اسلامی، سیاست دولت ایران در قبال کشورهای مهم عربی منطقه چه بوده است؟

۳) سیاست خصمانه غرب علیه ایران به صورت اعمال تحریم‌های اقتصادی و مالی از چه زمانی آغاز و در چه دوره‌هایی تشدید شده است؟

در قسمت سوم گزارش تحقیق، به برخی از پیامدهای اقتصادی، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران پرداخته‌ایم. باز ماندن ایران از رشد اقتصادی درازمدت، عدم امکان اتخاذ رویکرد صادراتی، محرومیت از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، خسارت‌های جنگ‌های ساله ایران و عراق و بالاخره زیان‌های تحریم‌های هسته‌ای قبل از برجام در این قسمت مورد بررسی قرار گرفته است. بدیهی است هر پاسخی که به پرسش‌های مهم فوق داده شود، تجویزهای سیاستی معینی را طلب می‌کند. البته به این نکته توجه داریم که اگر نه همه این تجویزها، لاقلاً برخی از آنها ممکن است مقبول مسئولان سیاسی نظام نباشد؛ اما چنین به نظر می‌رسد که با توجه به وضعیت خطیر کشور، راه‌گزینی از مطرح کردن آن نیست. به هر حال وظیفه سنگین تصمیم‌گیری بر دوش مسئولان سیاسی، اقتصادی و امنیتی کشور است. وظیفه کارشناسان، ارائه راهبردها و سیاست‌ها است. ناگفته پیداست که کارشناسان رشته‌های مختلف نیز همانند مسئولان نظام مصون از خطا نیستند. بدیهی است سنگ محک درستی و نادرستی سیاست‌های پیشنهادی، پراتیک سیاسی است نه پيشداوری ماموران دولتی. بنابراین هیچ کس نباید به خود اجازه دهد که مانع از بیان آزادانه افکار و اندیشه‌ها در این مقطع حساس باشد. به زبان ساده‌تر مسئولان نظام هوشمندتر از

آن هستند که نیازمند قیومت فکری فروستان خود باشند.

تحریم‌های هسته‌ای ایران از آغاز دهه ۱۳۸۰ شروع شده است و تا به امروز با شدت و ضعف مختلف ادامه داشته است. هدف ما در قسمت چهارم گزارش تحقیق، آن است که به چند پرسش زیر در این زمینه پاسخ دهیم:

- ۱) قبل از انعقاد توافقنامه برجام در ژانویه سال ۲۰۱۵ میلادی، تحول روابط دیپلماتیک ایران با گروه ۱+۵ در حوزه برنامه هسته‌ای کشور چه بوده است؟
 - ۲) دستاوردهای برجام برای طرف‌های این توافقنامه چه بوده است؟
 - ۳) دولت ایالات متحده بعد از روی کار آمدن دولت ترامپ و قبل از خروج آن کشور از برجام چه اقدامات خصمانه‌ای علیه جمهوری اسلامی ایران انجام داده است؟
 - ۴) دولت آمریکا با خروج از برجام چه اهدافی را دنبال می‌کند؟
 - ۵) با خروج آمریکا از برجام به تحریم‌هایی، برای چه مدت علیه ایران وضع شده و خواهد شد؟
 - ۶) واکنش قدرت‌های بزرگ دیگر به خروج آمریکا از برجام چیست و ایران تا چه حد می‌تواند به حمایت این قدرت‌ها امیدوار باشد؟
 - ۷) واکنش احتمالی دولت ایران به سیاست‌های آمریکا در قبال ایران چه خواهد بود؟
- در قسمت پنجم گزارش تحقیق تلاش می‌شود تا بر تحریم‌های اخیر آمریکا بر اقتصاد ایران ارزیابی شود. این قسمت به توضیح مسائل زیر اختصاص دارد:
- ۱) ابتدا به تجربه دور قبلی تشدید تحریم‌های هسته‌ای که موجب بازگشت ایران به میز مذاکرات شد، خواهیم پرداخت. در این قسمت این موضوع از دید ریاضی، نفیو یکی از طراحان اصلی تحریم‌های ایران در دولت اوباما مطرح خواهد شد. توضیح این تجربه، کمک شایانی به شناخت استراتژی آمریکا در زمینه طراحی و اجرای تحریم‌ها می‌کند.
 - ۲) سپس تحریم‌های وضع شده در دوره قبل از برجام با تحریم‌های جدید دولت آمریکا مورد مقایسه قرار خواهند گرفت. در اینجا اهداف و دامنه تحریم‌ها، میزان اجماع بین‌المللی در مورد تحریم‌ها، موقعیت سیاسی متزلزل آمریکا در جهان و انزوای آن و آسیب پذیری اقتصاد ایران، مقایسه خواهند شد. این تحلیل نیز به شناخت میزان تاثیرگذاری تحریم‌های جدید آمریکا بر اقتصاد ایران کمک می‌کند.
 - ۳) بعد از طرح مسائل کلی فوق، تاثیر تحریم‌ها به طور مشخص‌تر بر بخش‌های مهم اقتصاد ایران شامل نفت و گاز، صنعت (بویژه صنعت پتروشیمی و خودرو سازی)، کشاورزی، حمل و

نقل هوایی و گردشگری مورد تحلیل قرار خواهد گرفت.

۴) بالاخره در پایان این قسمت، تاثیر تحریم‌ها بر اقتصاد کلان کشور شامل تورم، ارزش پول ملی، کسری بودجه دولت، بازار پول و سرمایه، تجارت خارجی، بازار کار و رشد دراز مدت اقتصادی مورد تحلیل قرار خواهد گرفت.

در قسمت ششم گزارش تحقیق، ابتدا جمع‌بندی مختصری از مباحث مطرح شده در گزارش تحقیق ارائه خواهد شد. آنگاه راهبردهای مقابله با تحریم‌ها و خنثی کردن تاثیرات منفی اقتصادی- اجتماعی آن در سه سطح ارائه می‌شود: در حوزه سیاست خارجی، در حوزه سیاست داخلی و در حوزه اقتصادی. در اینجا نیز تصریح این نکته ضروری است که دو حوزه اول و دوم در حوزه کار تخصصی نویسنده نیست. بویژه آن که اظهار نظر صریح در این حوزه‌ها به دلایل مختلف در محافل کارشناسی کشور مرسوم نیست. توصیه‌های سیاستی به اقتضای همزمانی مسائل ساختاری، نهادی و مسائل ناشی از سیاستگذاری طبعاً همه این موضوعات را در بر خواهد گرفت. پدیده‌ای است تبدیل این توصیه‌ها به برنامه عمل زمانبندی شده مستلزم کار مطالعاتی جداگانه‌ای است.

در پایان باید گفت که مخاطبان اصلی این نوشته در رجه اول مقامات تراز اول جمهوری اسلامی و مشاوران آنها هستند. همچنین نویسندگان میل داشت این مطالب هر چه سریعتر در معرض قضاوت محققان و کارشناسان بصیر دانشگاهی که در حوزه‌های علم اقتصاد، علم سیاست و علم جامعه‌شناسی عمری را صرف کرده‌اند، قرار گیرد.

هر چند برای مطالعه کتاب حاضر، آشنایی با علم اقتصاد، اصول روابط بین‌المللی و تاریخ معاصر ایران ضروری است، اما مهمتر از آن دست شستن از تعصبات سیاسی و ملی و دلبستگی و وفاداری به حقیقت است. به گمان نویسندگان این کتاب، بدون عشق به حقیقت نمی‌توان به سرنوشت مردم فکر کرد و صمیمانه در جهت رفاه و بهروزی آنان گام برداشت.